



«ترجمه خواندنی قرآن» ترجمه‌ای از نوع «پیام‌رسان و تفسیری»

■ علی ملکی (مترجم)

■ محمد مهدی باقری (سروراستار)

الهی را کم‌کم برای قومش توضیح بدهد». امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم به فرزند نازنینش امام حسن علیه السلام این طور یادآوری می‌کند:

... قلب کودک و نوجوان مثل زمین کاشته‌نشده‌ای است که آمادگی دارد هر بذری را بپذیرد؛ از این رو در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دلت سفت و سخت شود و عقلت به چیز دیگری مشغول آید... و در آغاز تربیت، از یاد دادن قرآن و معنا و تفسیرش شروع کردم (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

نوشته پیش رو، متنی است که پس از تأیید سازمان دارالقرآن، در انتهای «ترجمه خواندنی قرآن» به چاپ رسیده است و در شمایی فشرده، چرایی و چگونگی شکل‌گیری این اثر را بازگو می‌کند.

خدای مهربان در سوره قمر می‌فرماید: «قرآن را ساده کرده‌ایم، برای به‌خود آمدن. کسی هست به خودش بیاید؟!» و در جای دیگری می‌گوید: «هر پیامبری فرستادیم، بدون استثنا، با زبانی ساده و همه‌فهم بود تا احکام و معارف

برخی کتاب‌های آسمانی را که تحریف هم شده‌اند، به تمام زبان‌های دنیا و حتی خیلی از گویش‌ها ترجمه کرده‌اند و در قالب‌های گوناگون، مانند کتاب و فیلم و نقاشی و داستان، به جامعه تشنه پیام‌های دینی و معنوی عرضه کرده‌اند؛ ولی تاکنون ترجمه کاملی از قرآن برای نوجوانان و جوانان ارائه نشده است! به لطف پروردگار، هشت سال است «تمام‌وقت» مشغول ترجمه و ویرایش

■ ■ هشت سال «تمام وقت»
■ ■ مشغول ترجمه و ویرایش
■ ■ قرآن کریم برای مخاطبان
■ ■ کلام وحی بوده‌ایم؛
■ ■ پنج سال برای ترجمه،
■ ■ دو سال برای ویرایش
■ ■ حضوری و یک سال برای
■ ■ بازخوانی‌های پیایی.

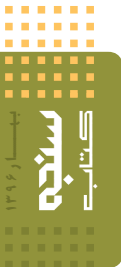
وجه تفسیری دارند. پس ترجمه ما پیام‌رسان است و تفسیری. البته اصرار می‌ورزیم که این اثر باز هم «ترجمه» است، نه تفسیر یا تفسیر فشرده. شاید تعجب کنید از این‌که در این ترجمه هیچ پُرانتزی نگذاشته‌ایم! بله، از آن‌جا که ترجمه پیشی روز نوع «ترجمه تطبیقی» نیست، نیازی ندارد به جداسازی ظاهر قرآن از توضیح تفسیری آن. مترجمان گران قدر قرآن

تاکنون بیش از پنجاه ترجمه پُرانتزدار ارائه کرده‌اند و آن نیاز را به خوبی پاسخ داده‌اند. البته محال است ترجمه‌ای بیاید که این «جداسازی ظاهر از توضیح» را با پُرانتز، دقیق و درست نشان داده باشد! دلیلش نقص آن ترجمه‌ها نیست؛ بلکه اساساً تفاوت ساختاری دو زبان و درهم‌تنیدگی معانی متن مقدس مانع از این جداسازی در ترجمه می‌شود. به هر حال، در «ترجمه خواندنی قرآن» هدف و روش با دیگر ترجمه‌ها فرق می‌کند و به نظر ما آوردن آن نشانه‌ها در جای جای متن، اتفاقاً خواننده را با دست‌انداز مواجه می‌کند و باعث می‌شود که او در گیرودار انبوهی از پُرانتزها سردرگم شود و نتواند روان و پیوسته و منسجم پیش برود و از چشیدن پیام قرآن لذت ببرد.

در ترجمه و ویرایش واژه‌ها (مفردات) خیلی دقت‌ها و بررسی‌ها کرده‌ایم؛ اما همین‌جا با صدای بلند می‌گوییم: با ترجمه پیام‌رسان نمی‌توان ترجمه دقیق واژه‌به‌واژه یاد گرفت؛ یعنی نباید انتظار داشته باشید که با این اثر بتوانید معنای لغوی هر واژه قرآن را با تطبیق یک‌به‌یک فرابگیرید. برای این هدف، ترجمه‌های بسیار دیگری از نوع «ترجمه تطبیقی» در دسترس شماست. ترجمه مضمونی اصلاً چنین رسالتی ندارد! بلکه می‌کوشد مُراد آیه را بازتاب دهد، واژه‌ها را در بافت آیه معنا کند و آیه‌ها

قرآن کریم برای مخاطبان کلام وحی بوده‌ایم؛ پنج سال برای ترجمه، دو سال برای ویرایش حضوری و یک سال برای بازخوانی‌های پیایی و نظری از خوانندگان نوعی آن. شکر بی‌حد که این اثر به‌ثمر نشست است. اثر حاضر از نوع «ترجمه پیام‌رسان» است. به این روش، ترجمه «مضمونی» یا «مُرادمحور» هم می‌گویند که یک دغدغه اصلی دارد: رساندن «پیام» آیه‌ها به خواننده عام. هیچ بخشی در این ترجمه نیست که فردی دیپلمه نتواند راحت بفهمدش! نام این اثر را «ترجمه خواندنی قرآن» گذاشتیم تا فراخوانی باشد به دوباره‌خوانی و پیوسته‌خوانی درس‌نامه زندگی: قرآن.

از کجا باید مطمئن شد که پیام هر آیه چیست؟ با مراجعه مداوم به تفسیر. ترجمه‌ای که بنای تفسیری ندارد، مانند هواپیمایی است که باند پرواز و فرود ندارد! از این ادعا دفاع می‌کنیم که بندگان این ترجمه بر تفسیر مبتنی است: در درجه اول تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی و تفسیر «تسنیم» آیت‌الله جوادی و در مراتب بعدی، تفسیرهای «تحریر و تنویر»، «تبیان»، «مجمع البیان»، «روح المعانی»، «نمونه» و... متصل بودن بندگان این ترجمه بر تفسیرهای درجه یک، راه را بر ورود نظرهای شخصی بسته است و راه‌گشای ما در آیه‌هایی بوده که چندین



را در بافت سوره به هم ربط دهد. قرآن کریم مجموعه‌ای است منسجم از پیام‌های مرتبط به هم که به صورت سوره به سوره یا مجموعه‌ای از چند آیه نازل شده‌اند. ترجمه تفسیری نیز باید نمایش دهنده این «ربط»ها باشد تا خواننده‌اش با «یک کل منسجم» مواجه شود و بداند سیر بحث چیست و او اکنون کجای

ماجراست. تفسیر «المیزان» در این ربط بایی‌ها نظیر ندارد؛ علامه طباطبایی بارها آیه‌های پایانی سوره‌های بلند را به آیه‌های آغاز آن سوره‌ها وصل می‌کند و می‌گوید اینها جواب آنهاست! به برکت نکته‌گشایی‌های او، ما نیز ربط آیه‌ها را با افزودن بندهای انتقالی و توضیحی، در ترجمه حاضر باز تابانده‌ایم. در ضمن، به کمک تفسیرهای قرآن به قرآن، برای پیشگیری از تضاد ظاهری در برخی آیه‌ها، کوشیده‌ایم قرآن به قرآن ترجمه کنیم تا معارف الهی، چنان که در کلام وحی چنین است، یکپارچه منتقل شود.

بنای قرآن، اغلب، فشرده‌گویی است و تمرکز بر قسمت‌های اصلی جریان‌ها؛ از این رو دانستن برخی شأن نزول‌ها یا چستی مفهوم‌ها یا چگونگی رخدادها، فایده‌بخش افرادی است که با دانستنی‌های دینی کمتر آشنایند. برای همین،

در خیلی صفحه‌ها پاورقی‌های ضروری درج کرده‌ایم تا هم ترجمه طولانی نشود و هم معنا نقص نیابد.

«ترجمه خواندنی قرآن» را می‌توان اولین تلاش برای ترجمه لحن به لحن قرآن نیز دانست. قرآن کتابی نیست با لحنی یکنواخت. حال، این سؤال پیش می‌آید: پس چرا همه ترجمه‌ها فقط با یک لحن خطی

شاید تعجب کنید از این که در این ترجمه هیچ پرانتزی نگذاشته‌ایم! از آن جا که ترجمه پیش رو از نوع «ترجمه تطبیقی» نیست، نیازی به جداسازی ظاهر قرآن از توضیح تفسیری آن ندارد.

پیش رفته‌اند؟! صاحب قرآن گاهی با لحن علمی و فلسفی سخن می‌گوید و گاهی شیوه روایت‌گونه و داستانی در پیش می‌گیرد، گاهی با نوایی پُر مهر بنده‌هایش را می‌نوازد و گاهی با عتابی رُعب‌آور به دشمنانش تشر می‌زند، گاهی با نجوایی پُر کشش پندهایش را گوشزد می‌کند و گاهی با کنایه‌هایی پُر نیش غافلان را از خواب

بیدار می‌سازد. خب، با این همه تنوع لحن آیا مجازیم که تمام قرآن را یکدست به صورت ادبی و فاخر ترجمه کنیم؟ یا این که یکنواخت به سبک خشک و رسمی؟ البته که خیر. باید هم‌شانه با تغییر لحن متن اصلی، ترجمه هم تا جایی که می‌شود، لحن‌های متناسب بگیرد و ادب مقام در آن رعایت شود؛ به ویژه این که ساختارهای عربی و فارسی برای رساندن ادب مقام، تفاوت‌هایی با هم دارند. البته ما برای لحن محوری و غالب این ترجمه، لایه‌ای برگزیده‌ایم که میان لایه زبان معیار نوشتاری و لایه زبان روزمره گفتاری است؛ اما در جاهایی و به تناسب تغییرهایی در لحن قرآن، این لحن غالب را تغییرهایی داده‌ایم.

در ترجمه واژه‌های صریح و غیرکنایی قرآن چه کرده‌ایم؟ تفکیک کرده‌ایم بین دو دسته واژه: ۱. واژه‌هایی که در کل

قرآن یک معنا می‌دهند و در تمام جاهایی که آمده‌اند، باید یک‌سان ترجمه‌شان کرد. ما نیز اینها را همه جا یکسان آورده‌ایم؛ ۲. واژه‌هایی که با وجود ظاهر یک‌سان، با معنای واحدی در قرآن نیامده‌اند و در بافت‌های مختلف، معانی مختلفی از آنها بروز کرده است. برای اینها، تلاش کرده‌ایم که «وجوه معنایی» شان را

در ترجمه و ویرایش واژه‌ها (مفردات) خیلی دقت‌ها و بررسی‌ها کرده‌ایم؛ اما همین جا با صدای بلند می‌گوییم: با ترجمه پیام‌رسان نمی‌توان ترجمه دقیق واژه به واژه یاد گرفت.

در ترجمه خویش بازتاب دهیم و در فارسی، متفاوت با هم ترجمه‌شان کنیم. نگران این نبوده‌ایم که ترجمه یک واژه چندمعنایی در کل قرآن یکسان نیست. آنچه مهم است، یافتن یا ساختن روساختی مناسب در فارسی است که بتواند زیرساخت عربی را بازنمایی کند. در ترجمه عبارت‌های کنایی قرآن

داستان فرق می‌کند. اصل بدیهی در علم ترجمه این است که ضرب‌المثل و کنایه زبان مبدأ را نباید مستقیم به زبان مقصد برگردانیم؛ بلکه باید از ظاهر و روساخت آن بگذریم و مفهوم و زیرساختش را بفهمیم. آن وقت، در زبان فارسی برگردیم تا ضرب‌المثل و کنایه‌ای بیابیم که فارسی‌زبانان، وقتی می‌خواهند چنان مفهومی را بیان کنند، آن عبارت را به‌کار می‌برند. ترجمه واژه به‌واژه این جور عبارت‌ها «گرفته‌برداری» است. وقتی می‌خواهند ترجمه‌ای را ارزیابی کنند، یکی از شاخص‌ها این است که چه قدر دچار گرتنه‌برداری نشده است و متن او چه قدر «بوی ترجمه» نمی‌دهد! ویژگی دیگر «ترجمه خواندنی قرآن» به‌معرض گذاشتن برای نقد و نظر است: از گروه‌های گوناگون اجتماعی خواسته‌ایم که درباره‌ی بندبند ترجمه، در جایگاه خواننده

نوعی آن یا از جایگاه متخصص ترجمه و معارف قرآنی، نظرهای اصلاحی و پیشنهادی بدهند تا با جمع‌آوری دیدگاه‌های تخصصی و عمومی بتوانیم بهبود مستمر را در کیفیت ترجمه در پیش بگیریم. از این پس هم، برای بازویرایی‌های آینده، این کار را خواهیم کرد؛ چون هر ترجمه‌ای از متن مقدس، به تناسب تغییرهای

■ ■
■ ■
نگران این نبوده‌ایم که ترجمه یک واژه چندمعنایی در کل قرآن یکسان نیست. آنچه مهم است، یافتن یا ساختن روساختی مناسب در فارسی است که بتواند زیرساخت عربی را بازنمایی کند.

زمانی و زبانی جامعه، باید حداکثر هر پنج سال به‌روزرسانی شود. این ترجمه ایرادهایی دارد و قطعاً بهترین و آخرین ترجمه نیست! در واقع، هیچ ترجمه‌ای از متن مقدس «بهترین ترجمه» نخواهد بود و هر اثری در رویکردها و روش‌ها و نتایجش، با تلاش‌های دیگر متفاوت می‌شود. ما تنها به این امید داریم که

این متن بتواند به اندازه چند قدم حتی، نسل جوان را به سرای سراسر نور قرآن نزدیک کند و پیام‌های مندرج در دل آیه‌ها را در جان آنان جای دهد.

این اصل مسلم را باید پذیرفت: «ترجمه متن مقدس همواره با ریزش معنا همراه است» و نمی‌توان حق بیکران معانی ژرف قرآن را جز از زبان خود قرآن و چهارده معصوم علیهم‌السلام ادا کرد. ترجمه‌های گذشته و اکنون و آینده قرآن، همگی، تلاش‌های نقصدار و فروتانه‌شیری است برای کاویدن‌های این پهنه پهناور.

گرامیان بسیاری در شکل‌گیری این اثر کمک‌حالمان بودند که در تارنما، با ذکر نام، از آنان قدردانی کرده‌ایم. اما سزااست همین جا به‌طور ویژه سپاس‌گزار خانواده‌هایمان باشیم که بار زندگی را در سختی‌های این سال‌ها بردوش کشیدند

و اگر با بلندنگری‌هایشان پشتوانه ما نبودند، محال بود کار پایان پذیرد. به‌جان، پذیرای نقدهای ارزشمند و پیشنهادهای خیرخواهانه شما هستیم. برای آشنایی مفضل با مبانی و ویژگی‌های این ترجمه و دیدن مثال‌های مقایسه‌ای و نیز برای نظردادن و دیدن نظرهای دیگران، به QuranTr.com سر بزنید.

■ ■
■ ■
این اصل مسلم را باید پذیرفت: «ترجمه متن مقدس همواره با ریزش معنا همراه است» و نمی‌توان حق بیکران معانی ژرف قرآن را جز از زبان خود قرآن و چهارده معصوم علیهم‌السلام ادا کرد.